36902 ـ برخی از آداب دعا

سوال

آداب دعا و روش آن و واجبات و سنت‌های دعا چیست؟ دعا را چگونه باید آغاز کرد و به چه صورت به پایان رساند؟ آیا اشکالی ندارد در دعا امور دنیوی را بر امور آخرت مقدم داشت؟ بلند کردن دستان در دعا چقدر صحیح است، و اگر درست است روش آن به چه صورت می‌باشد؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

الله متعال دوست دارد که از وی درخواست شود و ما را ترغیب نموده که هر چیزی را از وی بخواهیم و نسبت به کسی که از او چیزی نخواهد خشم می‌گیرد. او از بندگانش خواسته که از وی سوال و درخواست کنند:

وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ [غافر: ۶۰]

(و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم).

دعا در دین ما مقام و مرتبت بس والایی دارد، تا آنجا که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرموده‌اند: دعا همان عبادت است به روایت ترمذی (۳۳۷۲) و ابوداود (۱۴۷۹) و ابن ماجه (۳۸۲۸). آلبانی در صحیح ترمذی (۲۵۹۰) آن را صحیح دانسته است.

ثانیا: آداب دعا:

۱ـ شخص دعا کننده باید خداوند را هم از نظر ربوبیت و هم در عبادت و هم از لحاظ نامها و صفاتش یگانه بدارد و قلبش از توحید مملو باشد، زیرا شرط اجابت دعا این است که بنده خود با طاعت پروردگار و ترک معصیتش او را اجابت کند. الله متعال می‌فرماید:

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُواْ لِي وَلْيُؤْمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ [بقره: ۱۸۶]

(و هرگاه بندگان من از تو درباره‌ی من پرسیدند [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم؛ پس باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند. باشد که راه یابند).

۲ـ اخلاص برای الله متعال در هنگام دعا. الله تعالی می‌فرماید:

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاء [بینه: ۵]

(و فرمان نیافته بودند جز اینکه الله را بپرستند و در حالی که به توحید گراییده‌اند دین خود را برای او خالص گردانند).

و دعا چنانکه پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرموده‌اند، همان عبادت است و اخلاص شرط پذیرش آن است.

۳ـ اینکه با نام‌های نیک الله از وی درخواست نماید. خداوند متعال می‌فرماید:

وَلِلّهِ الأَسْمَاء الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُواْ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَآئِهِ [اعراف: ۱۸۰]

(و نام‌های نیکو از آن الله است؛ پس او را با آنها بخوانید، و کسانی را که در مورد نام‌های او به کژی می‌گرایند رها کنید).

۴ـ ثنا و ستایش الله چنان که شایسته‌ی اوست، پیش از دعا. ترمذی (۳۴۷۶) از فضالة بن عُبید ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده که گفت: در حالی که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نشسته بودند، مردی وارد شد و نماز گزارد، سپس [در پایان نماز یا پس از آن] گفت: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي. پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: عجله کردی ای نمازگزار! هرگاه نماز خواندی و نشستی چنانکه شایسته‌ی الله است او را ستایش کن و بر من درود فرست، سپس دعا کن و در روایت دیگر ترمذی (۳۴۷۷) آمده که فرمود: هرگاه کسی از شما نماز خواند با حمد و ثنای الله آغاز نماید سپس بر پیامبر درود فرستد، سپس هر چه خواست در دعا بخواهد. راوی می‌گوید: سپس مردی دیگر پس از آن نماز گزارد و حمد الله را به جای آورد و بر پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ درود فرستاد، پس پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: ای نمازگزار، دعا کن که اجابت می‌شوی آلبانی در صحیح ترمذی (۲۷۶۵ و ۲۷۶۶) آن را صحیح دانسته است.

۵- درود بر پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ چنانکه ایشان فرموده است: هر دعایی در حجاب است، تا آنکه بر پیامبر درود فرستی به روایت طبرانی در معجم الاوسط (۱/ ۲۲۰). شیخ آلبانی در صحیح الجامع (۴۳۹۹) آن را صحیح دانسته است.

۶- رو کردن به قبله. مسلم (۱۷۶۳) از عمر بن الخطاب ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده که گفت: در روز بدر، رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ به مشرکان که هزار تن بودند نگریست حال آنکه یارانش سیصد و نوزده تن بودند، پس پیامبر خدا ـ صلی الله علیه وسلم ـ رو به قبله نمود و آنگاه دستانش را بلند کرد و چنین با پروردگارش مناجات نمود: اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ آتِ مَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنْ تُهْلِكْ هَذِهِ الْعِصَابَةَ مِنْ أَهْلِ الإِسْلامِ لا تُعْبَدْ فِي الأَرْضِ یعنی: خداوندا آنچه را به من وعده داده‌ای عملی کن، خداوندا آنچه را به من وعده نمودی عطا کن، خداوندا اگر این گروه مسلمانان از بین بروند در زمین

پرستیده نخواهی شد و همچنان با دستانی کشیده رو به قبله پروردگارش را به فریاد خواند که ردا از دوشش افتاد...

امام نووی ـ رحمه الله ـ در شرح مسلم می‌گوید: این حدیث دال بر استحباب رو کردن به قبله در حال دعا و بلند کردن دستان در این حال است.

۷ـ بلند کردن دستان. ابوداود (۱۴۸۸) از سلمان ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: همانا پروردگار شما تبارک و تعالی بسیار اهل حیا و کریم است و از بنده‌اش شرم می‌کند که هرگاه دستانش را به سویش دراز کرد آن را خالی برگرداند شیخ آلبانی در صحیح ابی داود (۱۳۲۰) این حدیث را صحیح دانسته است.

در این حال کف دستان را همچون خواهنده‌ی فروتن فقیری که منتظر عطا و بخشش است، به سوی آسمان می‌گیرد. ابوداود (۱۴۸۶) از مالک بن یسار ـ رضی الله عنه ـ از رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ روایت نموده که فرمود: اگر از الله [چیزی] خواستید با داخل دستان خود بخواهید نه با بیرون آن (یعنی کف دستان را رو به آسمان بگیرد نه پشت دست) شیخ آلبانی در صحیح ابی داود (۱۳۱۸) آن را صحیح دانسته است.

اما در حال دعا دستانش را به هم می‌چسباند یا از هم دور نگه می‌دارد؟

شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ در الشرح الممتع (۴/ ۲۵) بیان داشته که دستان باید به هم چسبیده باشد. ایشان می‌گوید: اما در مورد فاصله انداختن میان دو دست و دور داشتن آن دو از یکدیگر هیچ اساسی در سنت و سخن علما نمی‌دانم.

۸ـ یقین به اجابت از سوی الله متعال و حضور قلب در هنگام دعا، چرا که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ می‌فرماید: الله را در حالی که به اجابت یقین دارد به دعا بخوانید و بدانید که خداوند دعا را از قلب غافل مشغول [به جای دیگر] نمی‌پذیرد به روایت ترمذی (۳۴۷۹). شیخ آلبانی این روایت را در صحیح سنن ترمذی (۲۷۶۶) حسن دانسته است.

۹ـ پافشاری و تکرار درخواست. یعنی بنده هر خیر دنیا و آخرت را از پروردگارش بخواهد و در دعا پافشاری نموده و برای اجابت دعایش عجله نکند، چرا که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ می‌فرماید: بنده تا وقتی که خواهان گناه یا قطع رابطه‌ی خویشاوندی نباشد مورد استجابت قرار می‌گیرد اما تا هنگامی که عجله نکند گفتند: عجله چگونه است؟ فرمود: بگوید: دعا کردم و دعا کردم و استجابت نشدم، سپس دست از دعا بکشد... به روایت بخاری (۶۳۰۴) و مسلم (۲۷۳۵).

۱۰ـ دعا و درخواست از خداوند به صورت قطعی، زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ می‌فرماید: کسی از شما نگوید: خداوندا اگر خواستی مرا بیامرز، خداوندا اگر خواستی مرا مورد رحمت قرار ده، بلکه به طور قطع درخواست کند زیرا چیزی نمی‌تواند الله را مجبور نماید به روایت بخاری (۶۳۳۹) و مسلم (۲۶۷۹).

۱۱ـ تضرع و خشوع و بیم و امید. الله تعالی می‌فرماید:

ادْعُواْ رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ [اعراف: ۵۵]

(پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید؛ او از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد).

و می‌فرماید:

إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ [انبياء: ۹۰]

(آنان در کارهای نیک شتاب می‌نمودند و ما را از روی رغبت و بیم می‌خواندند و در برابر ما فروتن بودند).

و همچنین می‌فرماید:

وَاذْكُر رَّبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالآصَالِ [اعراف: ۲۰۵]

(و در دل خویش پروردگارات را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس، بی‌صدای یاد کن و از غافلان مباش).

۱۲ـ سه بار تکرار کردن دعا. بخاری (۲۴۰) و مسلم (۱۷۹۴) از عبدالله بن مسعود ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده که گفت: در حالی که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ نزد کعبه نماز می‌خواند، ابوجهل با عده‌ای از یارانش آنجا نشسته بودند. شتری روز گذشته قربانی شده بود، پس ابوجهل گفت: چه کسی احشا و باقیمانده‌های زایمان شتر فلانی را می‌آورد و هنگامی که محمد به سجده رفت بر پشت او می‌گذارد؟ پس شقی‌ترین آنان رفت و آن را برداشت و هنگامی که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به سجده رفت آن را میان شانه‌های ایشان گذاشت. ناگهان شروع به خندیدن کردند و [از شدت خنده] به سوی هم خم می‌شدند و من در این حال ایستاده آنان را می‌نگریستم و ای کاش قدرت [و عشیره‌ای] داشتم تا آن را از روی دوش پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ دور می‌انداختم. پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در سجده ماند و سرش را بلند نکرد تا آنکه کسی رفت و فاطمه را باخبر ساخت و او در حالی که دخترکی کم سن و سال بود آمد و آن را از دوش پیامبر دور ساخت و سپس رو به سوی آنان کرد و نکوهششان کرد. هنگامی که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نمازش را به پایان رساند صدایش را بلند کرد و علیه آنان دعا نمود. ایشان هر گاه دعا می‌کرد سه بار دعا می‌نمود و هرگاه چیزی [از خداوند] می‌خواست سه بار می‌خواست، سپس فرمود: خداوندا قریش را هلاک کن و این را سه بار تکرار کرد. همین که صدای ایشان را شنیدند خنده‌شان قطع شد و از دعایش ترسیدند. سپس فرمود: خداوندا ابوجهل بن هشام و عتبة بن ربیعة و شیبة بن ربیعة و ولید بن عُقبة و امیة بن خلَف و عُقبة بن ابی مُعَیط ـ و هفتمی را نیز نام برد که یادم نیست ـ را هلاک گردان. قسم به آنکه محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ را به حق مبعوث نمود، آنانی را که نام برد در روز بدر کشته یافتم سپس آنان را به چاه بدر کشانده در آن انداختند.

۱۳ـ خوردن و پوشیدن حلال. مسلم (۱۰۱۵) از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ

فرمود: «ای مردم همانا الله پاک است و جز پاکی نمی‌پذیرد، و الله مومنان را به همان چیزی امر نموده که به پیامبرانش امر کرده و فرموده:

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنْ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ [مومنون: ۵۱]

(ای پیامبران از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید که من به آنچه می‌کنید آگاهم)

و فرمود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ كُلُواْ مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ [بقره: ۱۷۲]

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید از چیزهای پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید).

سپس مردی را یاد کرد که سفرش به طول انجامیده و ژولیده موی و غبارآلود دستانش را به آسمان بلند می‌کند و می‌گوید: پروردگارا، پروردگارا! حال آنکه غذایش حرام است و نوشیدنی‌اش حرام است و لباسش حرام و با حرام تغذیه شده، پس چگونه ممکن است استجابت شود؟»

ابن رجب ـ رحمه الله ـ می‌گوید: بنابراین خوردن و نوشیدن و پوشیدن و تغذیه از حلال سبب اجابت دعا است.

۱۴ـ پنهان ساختن دعا و علنی نکردن آن. الله متعال می‌فرماید:

ادْعُواْ رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً [اعراف: ۵۵]

(پروردگارتان را به زاری و نهانی بخوانید).

و همینطور خداوند متعال در ستایش بنده‌اش زکریا ـ علیه السلام ـ می‌فرماید:

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاء خَفِيًّا [مریم: ۳]

(آنگاه که پروردگارش را آهسته ندا کرد).

پیشتر در پاسخ به سوال شماره‌ی (5113) مختصری در باب دعا و اسباب تحقق اجابت و آداب و اوقات و اماکن بافضیلت که در آن گمان اجابت است و همینطور حال دعوتگر و موانع اجابت دعا و انواع استجابت سخن گفته‌ایم.